

پایتخت منتظر باش!

حمید تقوائی

مندرج در انترناسیونال ۹۴۲
۱۳ اکتبر ۲۰۲۱

فریاد "دولت انقلابی، فقط شعار خالی" در تجمع بزرگ اعتراضی کارگران هفت تپه در برابر استانداری خوزستان چالش علنی دولت رئیسی از سوی پایتخت اعتصابات جهان است. کارگران هفت تپه در جنگ ۵ ساله خود علیه اسدیگی و دارو دسته دزد و فاسدش پیروز شدند. اسدیگی خلع ید و به ۲۰ سال زندان محکوم شد اما مبارزه و اعتراض کارگران پایان نیافته است. از روز ۵ مهر ماه دور تازه اعتصاب برای رسمیت یافتن نظارت شورایی کارگران بر شرکت هفت تپه و تحقق دیگر مطالبات کارگران آغاز شد.

گل گرفتن در شورای اسلامی و اعلام مجمع نمایندگان منتخب مجمع عمومی همه کارگران

بعنوان نماینده واقعی کارگران هفت تپه از اولین دستاوردهای دور جدید مبارزه کارگران است. اینها گامهای عملی در جهت اعمال نظارت و اداره شورائی کارگری است. هفت تپه نشان میدهد که به قدرت اتحاد و اعتصاب میتوان دکان شوراهای اسلامی را تخته کرد و با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران به مقابله با حکومت پرداخت. اینها جلوه هائی از نظارت و کنترل عملی کارگری است.

اما سازماندهی کاروان کارگران اعتصابی از هفت تپه به اهواز و تجمع بزرگ اعتراضی کارگران در برابر استانداری، هم از نظر جغرافیائی و هم سیاسی تعرض تازه ای است

که از یک اعتصاب کارگری با مطالبات صنفی فراتر می‌رود. اینجا کارگران به نمایندگی از کل جامعه در برابر دولت رئیسی و کلیت جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. نفس کشاندن اعتراض به خیابانهای اهواز بالتیماتوم اگر خواسته‌ایمان پاسخ نگیرد "پایتخت منتظر باش"، خود فراتر رفتن از چارچوب کارخانه و شهر خود است. این مقابله پایتخت اعتصابات جهان با پایتخت سرمایه داری اسلامی است. این تعرض کارگران در ادامه ۵ سال مبارزات بی وقفه کارگران نیشکر هفت تپه و بر متن یک جامعه به خشم آمده و در حال انفجار صورت می‌گیرد. این تعرضی است به همراه و همدوش اعتصابات سراسری کارگران نفت، و تجمعات سراسری و بی وقفه معلمان و بازنشستگان.

اعتراض به فساد و دزدی باند اسدیگی که از امام جمعه شوش تا نمایندگان مجلس و دیگر مقامات ریز و درشت حکومتی را در بر میگرفت، یک ویژگی همیشگی اعتصاب هفت تپه بوده است، اما شعارهای "دولت انقلابی، فقط شعار خالی"، "دولت انقلابی، جیبها رو کرده خالی"، "به اسم دین ما را غارت میکنند"، "عدالت دروغه"، و "مرگ بر ستمگر، درو بر کارگر"، آن هم در تجمع و تظاهرات خیابانی در شهر اهواز، بیانگر ارتقای مبارزه به مدار بالاتری است. این به چالش کشیدن دولت رئیسی و کل نظام جمهوری اسلامی به نمایندگی از کل جامعه است.

واقعیت آنست که رئیسی، از حتی قبل از "انتخاب" یا در واقع انتصاب شدن، از سوی بخشهای وسیعی از مردم به چالش کشیده شده است. مادران دادخواه با "رای ما سرنگونی است"، کارگران نفت با اعتصابات سراسری و رسانه ها و کاربران مدیای اجتماعی در ایران و در جهان با لقب "آیت الله قاتل" و "قصاب تهران" و "رئیس جمهور جلاد" به استقبال او رفتند. کسی که ظاهرا قرار بود نماینده قدرتی و انسجام حکومت باشد به مظهر مفلوک یک حکومت درمانده و منفور توده مردم تبدیل شد. رئیس جمهور مفلوک و رسوائی که از ترس بازداشت و دستگیری، سفرهایش به کشورهای غربی را لغو میکند و در داخل کشور هم در ترس اعتراض مردم به خشم آمده جرات سفر کردن

ندارد. حتی مراسم بازگشائی دانشگاه ها را در خلوت و با ممنوعیت ورود حتی دانشجویان اسلامی و طرفدار حکومت به سالن سخنرانی رئیس جمهورشان برگزار میکنند.

میخواستند رئیسی را به عنوان چهره مبارزه با فساد و مصلح قوه قضائی به جامعه غالب کنند اما مردم با تف و لعنت به پیشوازش رفتند. و این کاملاً قابل انتظار و پیش بینی بود. مومنتمی که رژیم را مجبور کرد که یکی از رسواترین و جانی ترین مهره های خود را به کرسی ریاست جمهوری بنشانند، مومنتم خیزشهای توده ای و گسترش جنبش سرنگونی بود. جنبشی که در یک مقیاس سراسری و توده ای در ۹۶ و ۹۸ به میدان آمد و با اعلام "اصلاح طلب اصولگرا

دیگه تمومه ماجرا“ و “جمهوری اسلامی نابود
باید گردد“ صریح و شفاف و کوبنده در برابر
کل حکومت قرار گرفت.

در چنین شرایطی توسل رژیم به مهره سوخته
ای نظیر رئیسی انتخابی از سر ناعلاجی و
درماندگی است. رژیم به این نتیجه رسیده
است که حتی تظاهر به برخورداری از رای
مردم برایش خطرناک است. جنگ بی‌امانی
بین مردم و رژیم در جریان است و ناگزیر
بودند دولت نظامی - امنیتی شان را به روی
کار بیاورند. دولت رئیسی دولت شرایط جنگی
است: جنگ علنی و رودرروی توده مردم با
حکومت. رئیسی بقول خودش کارنامه “ قابل
تقدیری “ در کشتار “دشمنان” نظام دارد و

وقتی "دشمنان" آنقدر پیشروی کرده اند که در خیابانها نابودی نظام را شعار میدهند و در بیانیه ها و اطلاعیه هایشان به صراحت و با اسم و رسم اعلام میکنند رای ما سرنگونی است و یا خواستار محاکمه خامنه ای به جرم همدستی در کشتار کرونا میشوند، دیگر جایی برای ادعاهای مستضعف پناهی و مانورهای نوع دو خردادی باقی نمی ماند. باید جلاد دیروز را، هر چند رسوا و از رمق افتاده، دوباره به میدان آورد شاید فرجی حاصل شود. رسماً و علناً به جامعه اعلام جنگ میدهند چون ضدیتشان با مردم دیگر قابل پرده پوشی نیست.

جلاد ۶۷ را به جلو میفرستند اما ۱۴۰۰ دهه شصت نیست. آن زمان انقلابی که به خلع ید

از سلطت منجر شده بود ولی سر باز ایستادن
نداشت را درهم کوبیدند اما امروز با انقلاب
دیگری روبرو هستند. انقلاب علیه نظامی که
با خون پاشیدن به انقلاب ۵۷ خودش را در
قدرت نگاه داشت اما هرگز به یک نظام با ثبات
و مورد پذیرش مردم تبدیل نشد.

نه دولت رئیسی و نه هیچ نیروئی در حکومت
قادر به جلوگیری از طوفانی که در راه است
نیست. دولت نظامی - امنیتی رئیسی به
رزمایش در مرزها روی آورده است چرا که
میدانند در درون مرزها تیغشان نمی برد.
میدانند ۹۶ و ۹۸ رزمایشهای کوبنده انقلابی
هستند که همه شان را جارو خواهد کرد.

خیزش‌های ۹۶ و ۹۸ خود بر دوش مبارزات و اعتراضات کارگری شکل گرفتند و امروز کارگران نفت و هفت تپه انقلابی که در راهست را زیر سازی میکنند. این یک تدارک و زیر سازی عملی و میدانی است. اگر بزرگ‌ترین رفراندوم آنلاین علیه اعدام نوید افکاری شکل می‌گیرد، جنبش دادخواهی رای به سرنگونی حکومت می‌دهد و فعالین و چهره‌های معترض خواهان محاکمه خامنه‌ای میشوند، اگر توماج‌ها و سپیده‌قلیان‌ها علیه حکومت می‌شورند، کارگر هفت تپه چالش حکومت را به خیابانها می‌کشانند. با پرچم اداره شورائی، با تشکیل هر روزه مجمع عمومی در برابر اداره کار شوش، و با کاروان اعتراضی و تظاهرات و تجمعات فرا کارخانه‌ای علیه دولت توخالی و عدالت

دروغین و غارت به اسم دین.

آنچه به یمن مبارزات کارگران امروز در نیشکر هفت تپه عملی میشود، الگوی قدمهای عملی انقلاب فرداست. گل گرفتن در شورای اسلامی نمونه جارو کردن همه نهادها و ارگانهای اسلامی حکومت از کل جامعه است، خلع ید از کارفرما الگوی عملی خلع ید از کل طبقه سرمایه دار است، و اداره شورائی نوید دهنده حکومت شورائی است.

هفت تپه در قلب یک جامعه پپاخاسته می تپد. گسترش بیسابقه و رادیکالیزه شدن جنبش دادخواهی و جنبش علیه اعدام در یکسال اخیر، اعتصابات سراسری کارگران

نفت، گسترش مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، و به میدان آمدن فعالین جنبشهای اعتراضی و چهره های ادبی و هنری با اطلاعیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای رادیکال علیه خامنه ای و رئیسی و مقامات حکومتی، همه نشانه های حرکت و جوشش جامعه ای است که مدتهاست از خط قرمزهای حکومتی عبور کرده است. این یک جنگ علنی و تمام عیار است. کارگران هفت تپه با اداره شورائی، با به چالش کشیدن دولت رئیسی و با گل گرفتن در شوراهاى اسلامى در قلب و محور جبهه مردم در این جنگ قرار دارند. کارگران به کل مردم متنفر از حکومت راه نشان میدهند. جامعه می رود تا در کل حکومت اسلامى را گل بگیرد.

۱۳ اکتبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام